

مؤلف : لوئی مادان عضو اکادمی فرانسه

مترجم : آقای مصفق همدانی

ناپلئون کبیر

خلاصه شماره پیش

- لوئی مادان این کتاب زندگی ناپلئون را مخصوصاً ،
- از لحاظ نبوغ بنیان گذاری و اصلاحات شکر و
- اقدامات بزرگ انقلابی وی تحلیل نموده و عوامل
- مهمی را که در پرورش شخصیت ناپلئون دخیل بوده ،
- مورد بحث قرار داده است .

فصل اول

دوران کودکی

روز پانزدهم اوت ۱۷۶۹ با آندامی نحیف و با بعرصه وجود گذاشت و در دامن ما در بسیار نیرومندی با وضع فوق العاده دشواری پرورش یافت . من روزی بتفصیل با وجود همه کتابهایی که در شرح حال ناپلئون برشته تحریر کشیده شده است این کودکی عجیب و غریب را حکایت خواهم کرد و داستان رزم های کودکانه و اندیشه های نارس و روح استقلال طلبی ناپلئون و قصه کلاس درس کشیش رکو Recco را که همیشه صرف استماع جمله سرانجیهای ناپلئون در باره عظمت روم و اقدامات بزرگ رومیان میشد بمیان خواهم آورد در همان دوره کودکی آثار نبوغ خداداد و شخصیت بی نظیر در ناصیه وی هویدا بود ولی علانمی که مظهر روح بزرگ بنیان گذاری او باشد بطور بارز نمایان نبود .

پدرش که بفرانسه علاقه فراوان داشت زیاد پای بنده مادیات نبود بلکه بکسب افتخار و شهرت خانوادگی بیشتر علاقه داشت این و کیل خوش هیکل و جاه طلب که قلبی هوس ناک و روحی کوچک داشت تقریباً هیچ خصیصه اخلاقی و روحی برای پسر خود بارت نگذاشت بطوریکه میتوان گفت ناپلئون همه چیز خود را از مادرش بدست آورد با اینهمه پدرش بود که با التماس و خواهش و حتی گاهی با تن دادن به شرمندگی زمینه را برای پیشرفت وی مساعد میساخت چنانکه بر اثر پشتکار و زحمات فراوان او بود که مقرر گردید فرزندان در آموزشگاههای فرانسه مشغول تحصیل کردند و نیز در پرتو اقدامات او بود که بالاخره دو پسر ارشدش ژرف و ناپلئون در تاریخ اول ژانویه ۱۷۷۹ در آموزشگاه (اوتن) به تحصیل پرداختند. در آن هنگام ژرف دوازدهمین و ناپلئون دهمین مرحله زندگی را میپیمودند. اما دوره تحصیلات ناپلئون در آموزشگاه اوتن بیش از سه ماه و نیم بطول نینجامید زیرا آتش شوق نظام که در دل وی زیاده میکشید او را به آموزشگاه نظام (برین) Brienne فرانسه رهبری نمود و در آنجا بود که ناپلئون در بناچار مدت پنج سال یعنی از ۱۷۷۹ تا ۱۷۸۴ پرورش یافت و نیز در همانجا بود که سالدو شخصیتش گذاشته شد و اصالت خانوادگیش مورد تصدیق مقامات مربوطه قرار گرفت و اجازه یافت که تحصیلات خویش را در دبیرستان نظام ادامه دهد.

در باره دوره زندگی ناپلئون در آموزشگاه (اوتن) نیز با آنکه تاثیر عمیقی در حیات وی دارد بتفصیل نمی پردازم و تنها بدو نکته اساسی که در پرورش مرد سیاسی تاثیر بسزائی داشته است اشاره میکنم نخست معلوماتی که با عشق سرشار و الهامی عجیب در ذهن این جوان پرشور انباشته میشد و دوم اراده آهنین وی که همچون فولاد گذاخته ای در آب مشکلات و ناسازگارهای طبیعت روز بروز محکمتر میشد اگرچه در آن زمان تعلیم و تربیت را کشیشان کم سوادی بر عهده داشتند که از راه و رسم آموزش چندان آگاه نبودند با این همه ناپلئون با حرص و ولع بی نظیری حقایق علمی را از میان ظلمت

ابهام بیرون آورده و در ذهن ثبت میگرد و مخصوصاً به علوم ریاضی علاقه خاصی
 ابراز میداشت و در اندک مدتی نه تنها سرآمد اقران خویش گردید بلکه از
 استادان خویش نیز پیشی گرفت. در درس جغرافیا و تاریخ نیز میان همسالان
 خود بی مانند بود و در پرتو عقل و مخصوصاً نیروی تخیل بی نظیر خویش از
 حقایق تاریخی درسهای گرانبهای کسب می کرد و به حافظه نیرومند خود می-
 سپرد و چنانکه بعداً خود مکرر بیاد آورد بر تاریخ و مخصوصاً تاریخ باستانی
 و رمزآرنگاه نوابغ بزرگ تاریخ مسلط گردید.

در این اثنا روح وی در مقابل مشکلات زندگی و عدم توجه اطرافیان
 روز بروز محکومتر میشد این کودک نحیف با قیافه کم فروغ و آنچه ایتالیائی و
 رفتار خشن بنظر شاگردان و همچنین آموزگاران یک بیگانه و شاید بدتر
 از بیگانه بود و همه او را باز مانده یک قبیله وحشی و سر شکسته میدانستند
 همقطاران او را نخست بمنزله مخلوقی عجیب تلقی میکردند ولی پس از زور
 آزمائی که با وی کردند و مشت هائی که در مقابل مشت های بیشمار از او
 خوردند وی را موجودی خطرناک دانستند اما این جوان بیگانه که ملیتش هر دم
 اسباب ملعبه و استهزاء بود در مقابل زورگویی و مظالم همسالان آرام نمی نشست
 بلکه مانند هر مظلومی در مقابل ظالم سعی میکرد حق خود را بگیرد و از ستمگران
 انتقام بکشد البته داپمانهائی که در باره فحش های آبدار وی در این دوره نقل
 کرده اند غالباً اغراق آمیز است و اینگونه می گویند در همین موقع بود که
 سوگند یاد کرد برای اذیت کردن ملت فرانسه از هیچ گونه اقدامی مضایقه نکند
 باور کردنی نیست با این همه کاملاً راست است که ناپلئون در این سالها در مقابل
 اهانت همسالان خود صریحاً بنام (پا اولی Paoli) مبهن پرست معروف
 کرس مباحات مهورزید و از مقاومت دلیرانه وی در مقابل فرانسویان ستایش
 میکرد و نیز صحیح است که طبیعتش خشن و گاهی هم خطرناک بود. البته شک
 نیست که بمناسبت این خوی درشت نخستین سالهای زندگی وی در آموزشگاه
 (پرین) با غم و رنج و ملالت سپری شده لکن تصور نمی رود که از آن سالهای

غم افکنیز خاطرات نا طاووبی در ذهن خطور میداد زیرا بر اثر همین مشکلات و مخصوصاً چگونگی معلومات این آموزشگاه غم افزا بود که در همان دوره کودکی روح يك مرد آهنین که آرمان وی بود در کالبدش دمیده شد و آموزگاران وی عموماً مشاهده میکردند که این کودک اخلاق عجیبی دارد و چون يك روز سخت در مباحثه بایکی از آموزگاران خود ایستادگی کرد پیمانها شدیبانی معلم لبریز شد و گفت:

تو با این همه ادعا مگر کیستی؟ کویک یازده ساله با صدای رسا پاسخ داد:
 يك مرد! آری در همان سنی که آدمی تازه میخواهد داخل عنفوان شباب گردد او يك مرد حسابی، بود. اتفاقاً پدرش نیز که در سال ۱۷۸۴ بدیدن وی آمد همین عقیده را پیدا کرد و در این سفر ارزش ناپلئون را چنانکه باید احساس کرد زیرا یکسال بعد با آنکه پیش از یکبار پسر خود را ندیده بود در آخرین روزهای زندگی خویش صریحاً بزرگترین کامیابی هارا برای ناپلئون پیش بینی میکرد. در هر صورت همه میدانستند که این دانش آموز پر شور و خارق العاده سرباز بسیار خوبی خواهد شد و تنها در این نکته تردید بود که آیا در زمین بهتر پیشرفت خواهد کرد یا در دریازیرا کرالو Keralio بازرس کل آموزشگاهها پیش بینی کرده بود که وی ملوان زبردستی خواهد شد. ولی ناپلئون بالاخره خشکی را بر دریاز ترجیح داد و راه دبیرستان نظام پاریس را که در آنجا مخصوصاً افسران گارد سلطنتی تربیت میشدند پیش گرفت و اندکی پس از ملاقات پدر خود در (برین) یعنی در تاریخ سی ام اکتبر ۱۷۸۴ تحصیلات خود را در دبیرستان نظام پاریس آغاز کرد.

در اینجا تحصیلات صورت نوبنی داشت و انضباط آن اگرچه خیلی سخت بود ولی ناپلئون با میل و رغبت بدان تن در میداد. در این دبیرستان بود که ناپلئون با حرص و ولع بی نظیری به اندوختن علم و دانش پرداخت و چند ماه پیش از تحصیل وی نگذشته بود که مونژ Monge بازرس دبیرستان تشخیص داد که این دانش آموز استعداد خارق العاده ای برای تحصیل دارد و مخصوصاً در

ریاضیات و جغرافیا اعجاز میکنند و معروف است که یادداشت مورخ در باره نتیجه امتحانات نابلئون به این کلمات پایان مییابد:

«این جوان جاه طلب پر استعداد شایسته هر نوع توجه و مراقبت است، لاپلاس منجم معروف و یکی از وزیران آینده کنسولا که از استادان وی بود چنانکه باید به نبوغ وی بی نبرد لکن مورخین بزرگ و دقیق در باره اظهارات دو تن دیگر از استادان راجع به نابلئون همداستانند:

دمزون Demaison استاد زبان فرانسه در باره انشاء نابلئون روزی چنین گفته است: «انشاء این جوان مانند گرانیتی است که در یک کوه آتش فشان کداخته باشد. واسکیل Esguiel یکی دیگر از استادان وی در باره او این یادداشت را نگاشته است:

این جوان که هم از حیث ملیت و هم از لحاظ خوی و شخصیت از فرزندان اصل کرس است هر گاه مقتضیات مساعدت کند آینده درخشانی خواهد داشت بدین طریق مسلم است که این نابغه بزرگ هم در ۱۶ سالگی شخصیت بارزی داشته است و جای شکفتی نیست که بهیچ وجه آنها پس از یکسال تحصیل موفق باخذ درجه ستوانی گردید و حال آنکه سایر شاگردان دو تا سه سال در دبیرستان بسر می بردند و موفق با تمام تحصیلات خود نمیشدند این موفقیت های بزرگ با وجود سوانح بزرگ و نگرانیهای شدید تصویب نابلئون کردید زیرا پدرش روز ۲۴ فوریه ۱۷۸۵ بدون اینکه به کرس برسد در من پاریس زندگی را بدرود گفت و این مصیبت نخست فتنهها ضربت بزرگی بر قلب جوان شانزده ساله وارد ساخت بلکه اشکالات مادی و گرفتاری های فراوان برای وی ایجاد کرد زیرا شارل برای فرزندان خود جز چند پارچه مالک پرخرج و کم بهره میراث دیگری نگذاشته بود و بنا بر این مادرش باعشت فرزند که شش تن از آنان سر بارش بودند و چار و پنج بسیار دشواری گردید و از ژرف بسر ارشدش هم که در آن موقع نوزدهمین مرحله زندگی را می پیمود و از هر گونه فعالیت و استعدادی بی بهره بود امید کمک زیادی نداشت در همین موقع بود که نابلئون قوای خدا داد و شخصیت خارق العاده خویش را چنانکه باید بمنصه ظهور رسانید لیتیزیا Leitizia مادرش همواره در ایام کودکی نابلئون میگفت: «این بچه روح اداری دارد».

ناپلئون به محض فوت پدر خودش این روح را چنانکه باید ابراز داشت زیرا تنها با قدرت مردانه غریبی برغم و اندوه قلب خود فائق آمد بلکه باشایستگی بی نظیری در حقیقت ریاست و فرمانروایی خانواده خویش را برعهده گرفت نامه هائی که وی در سال ۱۷۸۵ به بستگان خویش نگاشته است طوری توانائی روح و عقل و منطق بی نظیر و اندیشه های بزرگ وی را منعکس میکنند که باشکال میتوان بارور کرد که بقلم يك جوان شانزده ساله پرشته تحریر در آمده باشد. در سال ۱۷۸۴ یعنی در همان موقع که بیش از ۱۵ سال از عمرش نمیکذشت راجع به آینده ژرف برادر بزرگتر خود نامه ای به فاش Fesh عمومی خویش نگاشت که از حیث نشان دادن تسلط افکار و روح اداری وی امروز هم مایه حیرت است ناپلئون برای آنکه بتواند با حقوق خود بکممک خانواده اش بشتابد در اتمام تحصیلات خویش عجله فراوان داشت و ضمناً میل خروج از مدرسه وی را بیش از پیش به سعی و فعالیت تحریک میکرد بطوریکه در ظرف چند ماه تحصیل بمقصود کامیاب گردید و در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۷۸۵ موفق باخذ درجه ستوانی شد و در هنگ آهن که در آن موقع پادگان والانس بود مشغول خدمت گردید. فردريك ماسن Frederic Masson مورخ نامی در کتاب خود به نیکوترین وجهی مظهره این افسر تمسکست را هنگام آخرین وداع باد بیرستان نظام پاریس شرح داده است و تنها ۱۹ سال بعد بود که ناپلئون به عنوان بزرگترین امپراتور دنیا بار دیگر بمحوظه این دبیرستان یعنی شان دو مارس ChampdeMars قدم نهاد و در تقسیم نشان عقاب به فارغ التحصیلان دانشکده نظام پاریس شرکت جست.